لیندا زاگزبسکی

معرفت شناسی

ترجمهٔ کاوه بهبهانی

فهرست مطالب

یادداشت مترجم ۹

۱. ارزش معرفتی و آن‌چه برای ما اهمیت دارد ۱۱

I. مقدمه ۱۱

II. اقتضائات/ بایسته‌های معرفتی و دغدغه‌های ما ۲۴

III. اخلاق و اقتضائات/ بایسته‌های معرفتی ۳۱

IV. یاوه‌گویی ۴۰

V. شکاکیت و دغدغه‌های ما ۴۸

منابعی برای مطالعهٔ بیش‌تر ۵۰

۲. شکاکیت و چند پاسخ امروزین به آن ۵۱

I. مقدمه ۵۱

II. مرحلهٔ اول حملهٔ شکاکانه: پَس‌روی بی‌پایان دلایل ۵۷

الف) مکتب پیرون و پس‌روی بی‌پایان ۵۷

ب) پاسخ‌هایی که به برهانِ پس‌روی بی‌پایان داده شده است: مبناگرایی در برابر انسجام‌گرایی ۶۳

III. مرحلهٔ دوم حملهٔ شکاکانه: نابغهٔ شرور دکارت و بیهودگی شواهد و دلایل ۷۳

الف) نابغهٔ شرور ۷۳

۱

ارزش معرفتی و آن‌چه برای ما اهمیت دارد

I. مقدمه

پژوهش فلسفی دربارهٔ مفهوم «دانستن» [دانسته/معرفت] و جست‌وجوی راه‌های مناسب برای باورکردن هر سخنی و کشفِ حقیقت (صدق/درستی) را اپیستمولوژی (معرفت‌شناسی) می‌گویند. معرفت‌شناسی یکی از رشته‌های اصلی فلسفه است؛ چراکه دو موضوع از مهم‌ترین موضوعاتِ کاوش‌های فلسفی را با یکدیگر پیوند می‌زند: ما و جهان. دانستنْ راهِ پیونددهندهٔ ما و جهان است، البته نه این‌که تنها راهِ ارتباطی ما و جهان باشد، اما راهِ بسیار مهمی است. افلاطون اعتقاد جالبی داشت. او معتقد بود که معرفت شباهت‌های بسیاری به عشق ورزیدن دارد؛ چراکه هم عشق آدمی را از خویش بیرون می‌آورد و هم معرفت. افلاطون بر آن بود که آدمی، با بیرون آمدنِ از خویش، ابتدا از جهانی سر درمی‌آورد که بازتاب یا روگرفتی از صورت‌های ازلی است و بعد از آن اگر بخت با او یار باشد و از مقرراتِ سخت‌گیرانه‌ای نیز پیروی کند، از جهانِ خود صورت‌ها سر در خواهد آورد.[1] البته در کتاب‌های معرفت‌شناسی حرفی از عشق در میان نمی‌آید، اما یادتان نرود که معرفت فقط و فقط یکی از راه‌های ارتباطی ما با دنیای بیرون است. فیلسوفان این دلواپسی را دارند که کسی که گمان

---

۱. ن.ک.: سخنان سقراط در رسالهٔ **مهمانی**، به‌ویژه 210a-212c.